



مبانی سیاسی و چالش‌های عملی جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه در فرایند کیفری ایران

مقاله علمی - پژوهشی

جهانبخش سلیمانی*

دکتر ایرج گلدوزیان** - دکتر محمد روحانی مقدم***

چکیده:

متهم بازداشت‌شده بی‌گناه، یعنی فردی که قربانی ظواهر پرونده کیفری شده است، شهروندی است که از یکی از حقوق اساسی خود در برهه‌ای از زمان محروم شده است. این محرومیت که نوعی ورود خسارت به وی می‌باشد، اگر توسط شهروند دیگر صورت گیرد، به حکم عقل، انصاف و عدالت باید جبران گردد. لیکن مسئله اصلی آن است که از آنجاکه این بازداشت در مقام اعمال حاکمیت بوده بر چه مبنایی دولت ملزم به این جبران است؟ نوشتار حاضر برای یافتن مبنای سیاسی این امر به مشهورترین نظرات سیاسی که ناظر به مشروعیت دولت و معیار عدالت سیاسی است، پرداخته و در پرتو نظریه قرارداد اجتماعی لاک و عدالت انصافی رالز، این امر را موردتحلیل قرار داده است. پس از بررسی مبنای سیاسی، مشکلاتی که قانون آیین دادرسی کیفری برای جبران خسارت متهمان و محکومان بی‌گناه با آن مواجه بوده را در دو بُعد حکمی و موضوعی توصیف و تحلیل نموده و درنهایت راهکارهایی برای رفع خلأهای قانونی و ایرادات وارده برای جبران خسارت متهمان بی‌گناه پیشنهاد نموده است.

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۶، نیمسال دوم ۱۳۹۹
صفحه ۳۱۳-۲۸۹، تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۰۷/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۰۴

- * دانشجوی دکترای گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران
Email: jahan.soleimani@gmail.com
- ** استاد گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، البرز، ایران
Email: miramats@yahoo.com
- *** استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران، نویسنده
Email: m.rohani@semnaniau.ac.ir

مسئول

www.SID.ir

کلیدواژه‌ها:

بازداشت، متهم، جبران خسارت، خسارت معنوی، براءت.

مقدمه

انسانی که دادخواهی می‌کند همیشه دادی علیه فردی دارد و دادرسی که قضاوت می‌کند، خواهان اجرای عدالت و قانون بر اساس مقررات می‌باشد. لیکن این اندیشه ساده شهروندی، همواره اجرا نمی‌شود. در فرایند دادرسی کیفری گاه بیدادها و به تبع آن خسارت‌هایی بر افرادی بار می‌شود که مستحق آن نیستند و این همان امری است که دولت‌ها باید درخصوص جبران یا عدم جبران آن تصمیم بگیرند. ناکرده بزهی که به سرای داد می‌رود، از آن رو که خود را بی‌گناه می‌داند، ممکن است به دلایلی مانند ارائه ادله نادرست و یا اشتباه‌های قضایی و یا هر دلیل دیگر، از آزادی خود که از حقوق اولیه شهروندی و بشری وی است، محروم شود. در این مجال، دستگاه عدالت، خود در مقام نقض حق وی برآمده ولذا باید جبران خسارت از این فرد صورت گیرد. جبران خسارت، اگرچه درخصوص روابط دو فرد، با ارجاع به یک اصل کلی که به موجب آن هرکس به دیگری خسارتی زند، ملزم به جبران است^۱، بدیهی می‌باشد لیکن هنگامی که جای یک طرف با دولت، این لویاتان^۲ مخوف و این شر ضروری، عوض می‌شود با وضعیت دیگری مواجه می‌شویم. این تفاوت ناشی از آن است که دولت مجاز به بازداشت افراد شناخته شده است و این حق از سوی خود شهروندان به وی در مقام قضا اعطاء شده است. حال آیا شخص حقوقی دولت به واسطه اعمال حق مشروع خود که از طرف شهروندان و قانون مجاز به آن شمرده شده است، باید مسئول شناخته شود؟

سال‌ها این مهم محل نزاع حقوق‌دانان و فلاسفه حقوقی بود. لیکن، امروزه حقوق کشورهای پیشرفته و اسناد بین‌المللی متعدد پذیرفته‌اند که در صورتی شخصی در مراحل رسیدگی کیفری از آزادی خود به جهت بازداشت محروم شود و در نهایت مشخص گردد، وی ناکرده‌بزه می‌باشد، خسارت ناشی از محرومیت از آزادی وی بایستی جبران شود. اندیشه

۱. درخصوص مسئولیت مدنی اشخاص، موادی از قانون مسئولیت مدنی که مبتنی بر قواعد فقهی چون لاضرر و تسبیب نیز می‌باشند، صراحتاً به لزوم جبران خسارات وارده اشاره و تأکید نموده‌اند. برای نمونه ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی چنین مقرر می‌دارد: «هرکس بدون مجوز قانونی عمداً یا در نتیجه بی‌احتیاطی به جان یا سلامتی یا مال یا آزادی یا حیثیت یا شهرت تجارتي یا به هر حق دیگری که به موجب قانون برای افراد ایجاد گردیده، لطمه‌ای وارد نماید که موجب ضرر مادی یا معنوی دیگری شود، مسئول جبران خسارت ناشی از عمل خود می‌باشد.»

جبران خسارت بزه‌دیده به هزینه دولت، به‌ویژه پس از جنگ جهانی دوم، در اروپا و آمریکای شمالی مطرح شد. ضروری است به نقش شورای اروپا در تصویب «کنوانسیون اروپایی پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان جرم‌های خشونت‌بار» مصوب ۲۴ دسامبر ۱۹۸۳ در استراسبورگ اشاره کرد که با ایجاد سند منطقه‌ای الزام‌آور، کشورهای عضو را تحت تأثیر خویش قرار داد. در بند «۵» ماده (۹) ۳ و ۱۴^۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶ نیز بر جبران خسارت از متهمان بی‌گناه تأکید شده است. «اعلامیه اصول بنیادی عدالت برای بزه‌دیدگان و قربانیان سوءاستفاده از قدرت» نیز در همین راستاست.^۵ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی (۱۹۵۰) در بند «۵» ماده (۵)^۶ و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹) در بند «۱» ماده (۷) و منشور آفریقایی حقوق بشر و خلق‌ها (۱۹۸۲) نیز در ماده (۶) و مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مواد ۳، ۵، ۸ و ۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸) حق مزبور را به رسمیت شناخته‌اند.^۷

حقوق ایران نیز به این امر بی‌اعتنا نبوده است. در حقوق ایران تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ظاهراً در هیچ‌کدام از مواد قانونی، جبران خسارت ناشی از بازداشت و حبس قانونی و یا حتی بازداشت غیرقانونی منتهی به برائت یا منع تعقیب متهم پیش‌بینی نشده بود، اگرچه طی مواد قانونی پراکنده‌ای مانند تبصره ۴ ذیل بند «خ» ماده ۱۸ قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی مصوب ۲۹ خرداد

۳. «هرکس که به‌طور غیرقانونی دستگیر یا بازداشت (زندانی) شده باشد، حق جبران خسارت خواهد داشت.»
 ۴. در ماده ۱۴ چنین آمده است: «هرگاه حکم قطعی محکومیت جزایی کسی بعداً فسخ بشود یا یک امر حادث یا امری که جدیداً کشف شده دال بر وقوع یک اشتباه قضایی باشد و بالنتیجه موردعفو قرار گیرد شخصی که در نتیجه این محکومیت متحمل مجازات شده استحقاق خواهد داشت که خسارات او طبق قانون جبران بشود مگر اینکه ثابت شود که عدم‌افشاء بموقع حقیقت مکتوم کلاً یا جزئاً متناسب به خود او بوده است.»
 ۵. غلامحسین کوشکی، «مهم‌ترین نوآوری‌های «حمایتی» و «سازمانی» لایحه آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی»، در *دایره‌المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات)* (تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲)، ۳۸۸.

۶. «هرکس که بر اثر دستگیری یا بازداشت در شرایطی مغایر با مقررات این ماده بزه‌دیده (متضرر) شود حق دریافت جبران خسارت خواهد داشت». دادگاه‌های اختصاصی یوگسلاوی و رواندا، مقرراتی درخصوص پرداخت مستقیم خسارت به قربانیان نداشتند.

۷. جهت مطالعه بیشتر پیرامون پیشینه حمایت از بازداشت‌شدگان بی‌گناه نک: محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۸)، جلد دوم، چاپ سیزدهم، ۳۱۳. همچنین مریم سیدحاتمی و فاطمه کریمیان، «خسارت ناشی از بازداشت با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان»، *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف* ۱ (۱۳۹۷): ۳۴-۲۸.

۱۳۳۴ برای متهم حق جبران خسارت ناشی از بازداشت پیش‌بینی شده بود.^۸ با این حال، در خصوص الگوی کلی جبران ضررهای مادی یا معنوی ناشی از تقصیر و اشتباه قاضی در اصل ۱۷۱ حکم کلی وضع نموده ولی جزئیات آن تا قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ ترسیم نشده بود. نهایتاً این جبران خسارت در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش‌بینی گردید؛ اما پرسش مطرح این است که مبانی این جبران خسارت چیست؟ بدیهی است آنگاه که از مبانی سخن رانده می‌شود، مبانی جامعه‌شناسانه، مبانی فلسفی، مبانی فقهی مدّ نظر قرار می‌گیرند. سخن راندن از این مبانی از آن جهت حائز اهمیت است که این مبانی از دو جهت یاری‌رسان می‌باشند: نخست، یافتن مبنایی برای قانون باعث می‌شود که در صورت نقد آن بتوان با علم به مبانی به آن ایرادات پاسخ گفت و دوم، در تفسیر قانون مبانی می‌تواند روشنی‌بخش ذهن مفسر باشد. لذا، نوشتار حاضر با توجه به آنکه در تحقیقات دیگر از مبانی فقهی جبران خسارت بسیار گفته شده است^۹، به مبنای فلسفه سیاسی این جبران خسارت می‌پردازد و در صدد پاسخ به آن است که این جبران خسارت می‌تواند از منظر فلسفه سیاسی توجیه شود.^{۱۰} (بند ۱) در این بند به دو نظریه

۸. بر اساس این ماده: «هریک از مأمورین دولتی و یا شهرداری و یا کسانی که برحسب وظیفه متصدی مراقبت در مواد دارویی هستند ... در صورتی که ثابت شود اشخاص فوق گزارشی به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود، در صورت براءت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارت وارده به مدعی خصوصی به مجازات یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم خواهند شد.» شایان ذکر است که در ماده فوق، بازداشت و سلب آزادی اشخاص از اساس با تقصیر فرد دیگری صورت می‌گیرد؛ اما در بحث خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه، سلب آزادی فرد در چهارچوب مقررات قانونی صورت گرفته ولی در نهایت، به جهت اثبات بی‌گناهی یا فقدان دلیل، حکم براءت یا قرار منع تعقیب شخص صادر شده است. لذا، جبران خسارت اشخاص بی‌گناه که در چهارچوب مقررات و تشریفات قانونی بازداشت شده ولی بی‌گناهی آنان اثبات شده به‌عنوان یک از مهم‌ترین مصادیق خطای قضایی موضوع این نوشتار است. جهت مطالعه بیشتر نک: محمدباقر مقدسی و ابراهیم قلی‌زاده، «جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه»، *مجله پژوهش حقوق کیفری* ۲۳ (۱۳۹۷): ۹۵.

۹. از جمله می‌توان به تحقیقات زیر اشاره نمود: محمد صالحی مازندرانی، «نگرشی بر مسئولیت مدنی تصمیم‌گیرندگان قضایی»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی* ۷۲ (۱۳۸۵). حسین احمدی و موسی احمدی، «بررسی فقهی - حقوقی مسئولیت و مصونیت قضایی»، *مجله فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی* ۲۰ (۱۳۸۸). همچنین ولی‌اله رستمی، «سازوکارهای جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت غیرقانونی با تأکید بر لایحه قانون آیین دادرسی کیفری پیشنهادی در قوه قضائیه»، (پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۹۱).

۱۰. جهت آگاهی از سایر مبانی جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه از جمله مبانی اخلاقی، مصلحت عمومی، احترام به آزادی و امنیت شخصی نک: الهام حیدری، «مبانی و جایگاه قانونی جبران خسارات

قرارداد اجتماعی لاک و عدالت انصافی رالز پرداخته می‌شود. علت انتخاب این دو نظر آن است که امروزه مشهورترین نظر درخصوص مشروعیت حکومت، نظریه قرارداد اجتماعی لاک و معتبرترین ایده درخصوص عدالت سیاسی، نظریه عدالت انصافی رالز می‌باشد. لذا، در صورتی که ایده جبران خسارت بتواند از سنجه این نظرات موفق خارج شود، می‌توان آن را بر دولت بار نمود. پس از این امر به تحلیل حقوقی مقرره آیین دادرسی کیفری با توجه به مبانی بیان شده پرداخته و خلاصه و ابهامات آن را به روش توصیفی - تحلیلی بررسی می‌نماید. (بند ۲)

۱- مبانی جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه از منظر فلسفه

سیاسی

فلسفه سیاسی ناظر به مبانی اندیشه‌های سیاسی است. به عبارت دیگر، فلسفه سیاسی ناظر به مبانی نوع حکومت‌هاست و از مهم‌ترین پرسش‌های ناظر به حکومت با نماد سیاسی مانند مشروعیت، الزام سیاسی و معیار عدالت سیاسی سخن می‌راند. هر دولتی حداقل در عالم نظر تمایل دارد خود را مشروع دانسته و اقدامات خود را توجیه نماید. مهم‌ترین این اقدامات مقررهای قانونی است که دولت‌ها درصدد آن هستند با یافتن توجیه‌های سیاسی برای آنها، شهروندان را مجاب به التزام نموده و بر آنها وظیفه پیروی را بار نمایند. لذا، بسیار حائز اهمیت است که یک دولت بتواند قانون خود را توجیه نماید. در بحث جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه نیز این امر جلوه می‌نماید که آیا نظرات فلسفه سیاسی دولت‌های مردم‌سالار می‌تواند توجیه‌گر خسارت از این افراد باشد؟ لذا، در این گفتار ابتدا نظریه قرارداد اجتماعی جان لاک بررسی می‌شود. نظر لاک از آنجاکه از میان خیل عظیم نظرات سیاسی انتخاب گردیده است که او پدر قرارداد اجتماعی مدرن و لیبرالیسم معرفی می‌شود. از سوی دیگر، نظریه عدالت سیاسی جان رالز در قرن حاضر آنقدر مهم می‌باشد که به قول نوزیک، استاد دانشگاه هاروارد، در قرن بیستم کسی نمی‌تواند درباره عدالت سیاسی صحبتی کند مگر به نظر جان رالز استناد کند و یا بیان کند چرا به این نظریه استناد نمی‌نماید. لذا، در گفتار دوم، این جبران خسارت در پرتو نظریه عدالت انصافی جان رالز تحلیل خواهد شد.

۱-۱- تحلیل جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه از دیدگاه قرارداد اجتماعی

قرارداد اجتماعی جان لاک که امروزه مبنای تشکیل جوامع مردم‌سالار مدرن محسوب می‌شود، بر پایه برابری و عقلانیت افراد بنا نهاده شده است. لاک ابتدا افراد را در وضعیت پیش از تشکیل جامعه مدرن تصور می‌کند و بر این اساس، نمایی از وضعیت اسفبار انسان‌ها در این وضعیت ارائه می‌دهد. وضعیت طبیعی از نظر لاک این‌گونه توصیف شده است: «برای درک قدرت سیاسی و پی بردن به سرچشمه آن، باید به وضعیتی توجه کنیم که همه انسان‌ها طبیعتاً در آنند، یعنی وضعیتی که در آن انسان‌ها در کارها و نظم و ترتیب دادن به دارایی‌ها و شخص خود، همان‌طور که مناسب می‌دانند، آزادی کامل دارند و تنها قانونی که بر آنها حاکم است، قانون طبیعت است.»^{۱۱} لذا، در وضعیت طبیعی یا وضعیت پیش از قرارداد اجتماعی، انسان‌ها به‌واسطه فقدان نیروی برتر کنترل‌کننده در معرض خطر تجاوز سایرین بودند و جنگ در آن وضعیت ناگزیر بود. به عبارتی این جنگ قسمت عمده‌ای از زندگی بشر را در وضعیت طبیعی شکل می‌دهد^{۱۲} و در آن هر شخص به‌عنوان قانونگذار، قاضی و مجری حکم خواهد بود.^{۱۳} این تجاوز باعث می‌شود، اگر متجاوز پیروز شود، ضرری به قربانی وارد گردد و در صورت تفوق حمله‌شونده، متجاوز در ید وی قرار گیرد و او بتواند هرگونه مایل است با وی رفتار کند؛ بنابراین این وضعیت، حالت مطلوبی برای هیچ‌کدام از طرفین محسوب نمی‌شود. به همین جهت انسان‌ها، تصمیم گرفتند وارد قرارداد اجتماعی شوند. بنا به گفته وی، «زمانی که تعدادی از افراد با توافق خود، اجتماع یا حکومتی بنا کنند، آنگاه اجتماع یا بدنه سیاسی یکپارچه‌ای به‌وجود می‌آورند که در آن اکثریت، به نمایندگی از طرف همه اعضای جامعه، حق اداره امور کلی جامعه را در دست می‌گیرند.»^{۱۴}

در پی این قرارداد اجتماعی افراد برخی از حقوق خود را به دولت واگذار می‌نمایند. از نظر لاک دو حق به‌طور مطلق به دولت واگذار می‌گردد که عبارتند از: «نخست، حق انجام هر

۱۱. جان لاک، *رساله‌ای درباره حکومت*، ترجمه حمید عضدانلو (تهران: نشر نی، ۱۳۸۸)، چاپ دوم، ۷۳.

12. Robert Faulkner, "The First Liberal Democrat: Locke's Popular Government," *The Review of Politics* 63(1) (2001): 14.

۱۳. محمد یکرنگی، *مشروعیت سیاسی کیفر* (قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶)، چاپ دوم، ۹۶.

۱۴. لاک، پیشین، ۱۴۹.

کاری که برای بقای خود لازم است و دوم، حق کیفر مجرم.^{۱۵} فرد «قدرت کیفر دادن دیگران را کلاً تسلیم جامعه می‌کند و نیروی طبیعی خود را برای همکاری و بر اساس نیاز جامعه، در اختیار قدرت اجرایی جامعه قرار می‌دهد. از آنجاکه او اکنون در وضعیت جدیدی قرار دارد و از مزایای زیادی مانند کار، همکاری و حضرونشر با دیگران و همچنین امنیتی که از نیروی همگانی نصیب او شده است، بهره‌مند می‌شود، باید تا آنجایی که صلاح، سعادت و امنیت جامعه ایجاب می‌کند از آزادی طبیعی خود فاصله بگیرد.»^{۱۶} بنابراین، نتیجه قرارداد اجتماعی آن است که افراد، خود از حق کیفر خویش گذشت نموده و این حق را طی قرارداد اجتماعی به دولت واگذار کرده‌اند.

حال، این پرسش مطرح می‌شود که اگر افراد، خود این حق را به دولت منتقل کرده‌اند و دولت به نیابت از آنان مبادرت به دادرسی و کیفر افراد می‌نماید، چرا باید قائل به جبران خسارت باشیم؟ به عبارت دیگر، اگر «الف» به‌عنوان یک شهروند در قرارداد اجتماعی شرکت کرده و ضوابط حاکم بر یک دولت را پذیرفته بدان‌معناست که وی به‌طور ضمنی پذیرفته است که اگر وی شاکی پرونده‌ای باشد، قانون بتواند طرف مقابل وی را احضار نماید و ضوابط دادرسی از جمله بازداشت را بر او بار نماید و درمقابل اگر وی هم مشتکی‌عنه پرونده‌ای بود، همین امور بر وی بار شود. لذا، اگر این حق را اشخاص به دولت اعطاء کرده‌اند چرا باید حق بر جبران خسارت ناشی از بازداشت را برای افراد قائل شویم.

اگرچه ممکن است در بادی امر این‌گونه طرح مسئله کمی شبهه‌ناک به‌نظر آید لیکن، باتوجه‌به ماهیت قرارداد اجتماعی لاک، می‌توان به آن پاسخ داد. قرارداد اجتماعی لاک برخلاف قرارداد اجتماعی هابز، ناظر به وکالت دولت از طرف شهروندان برای انجام امور می‌باشد؛ بنابراین، همان‌طور که در وکالت، وکیل به‌رغم اعطای حق انجام کار نیابت از سوی موکل، نمی‌تواند به هرگونه عمل نماید، در این مورد نیز، اگرچه شهروندان حق اعطای مجازات و دادرسی را به دولت اعطاء کرده‌اند، لیکن این حق منوط به احترام به سایر حقوق شهروندان می‌باشد که از آن جمله حق آزادی وی است؛ بنابراین، اعطای این حق که دولت می‌تواند هر شهروند متهمی را مورد دادرسی و عنداللزوم بازداشت و کیفر قرار دهد، نافی حق برخورداری افراد از آزادی نمی‌باشد و در صورتی که این حق، بلاجهت مورد تعدی قرار گیرد

۱۵. یکرنگی، پیشین، ۱۰۶.

۱۶. لاک، پیشین، ۱۷۸.

گویی وکیل از حدود اذن موکل تخطی کرده و وی ملزم به جبران خسارت است. از طرف دیگر، فلسفه ورود به قرارداد اجتماعی حفظ و حراست دولت از سایر حقوق شهروندان است. به عبارتی، شهروندان قسمت محدودی از حقوق خود را به دولت اعطاء می‌کنند تا از سایر حقوق و آزادی‌های خود بهره‌مند شوند. لذا، دولت نمی‌تواند و حق آن را ندارد که به اعتبار دریافت آن قسمت از حقوق، سایر حقوقی را که وظیفه حراست از آن را دارد، نقض کند و در صورت انجام این امر، ملزم به جبران خسارت است تا بتواند مشروعیت خود را حفظ نماید. این امر زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که دریابیم در قرارداد اجتماعی کارگزاری لاکه که وکالتی از شهروندان به دولت است، در صورت تعدی دولت از حدود وکالت، شهروندان می‌توانند حق خود را بازپس گیرند و آن را به دولتی دیگر وانهند. به سخن دیگر، مشروعیت دولت منوط به اعمال صحیح و احترام به حقوق شهروندان و رفتار در محدوده اذن می‌باشد. بنابراین، نظریه قرارداد اجتماعی کارگزاری لاکه که درباره مشروعیت دولت بحث می‌نماید، می‌تواند به خوبی جبران خسارت ناشی از بازداشت افراد بی‌گناه را توجیه کرده و حتی بی‌تفاوتی دولت نسبت به این امر، می‌تواند بر مشروعیت آن دولت تأثیر گذارد.

۱-۲- تحلیل جبران خسارت متهمان بی‌گناه از دیدگاه عدالت انصافی رالز

عدالت، محوری‌ترین مفهوم در فلسفه سیاسی و مهم‌ترین امری است که کارایی یک دولت با آن سنجیده می‌شود.^{۱۷} به قول ارسطو اگر عدالت از زندگی انسان رخت بریندد هیچ چیز دیگری نیست که به آن معنا دهد. لذا، از دیرباز نظریه‌پردازان مختلف نسبت به هستی‌شناسی عدالت ایده‌های مختلفی ابراز نموده‌اند. لیکن نقطه اوج این نظریه‌ها در عدالت سیاسی و اجتماعی در قرن بیستم توسط استاد دانشگاه هاروارد، جان رالز، بیان شد. نظریه رالز که در کتاب‌های «عدالت به‌مثابه انصاف» و سپس «نظریه عدالت» وی بیان شد، بر پایه قرارداد اجتماعی نهاده شده است. به عبارتی، اگرچه نظر لاک به مشروعیت حکومت می‌پردازد لیکن با درون‌مایه حکومت بیگانه است و این رالز است که با ارائه نظریه عدالت خود، سنجه‌ای برای محک قوانین دولت با عدالت ارائه می‌کند. این پیروی از عدالت آن‌چنان دارای اهمیت است که رالز آن را با الزام سیاسی شهروندان در پیروی و یا عدم پیروی از قوانین پیوند

۱۷. جهت آگاهی از «عدالت» به‌عنوان یکی از مبانی ضرورت جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه نک:

حیدری، پیشین، ۴۷.

می‌زند.^{۱۸} در واقع، پایه اصلی نظریه عدالت انصافی رالز آن است که «عدالت، نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی است، همچنان که صدق، فضیلت نظام‌های اندیشه است.^{۱۹} زیرا یک جامعه آنگاه «بسامان است که نه‌تنها برای بهبود خیر اعضای آن طراحی شود بلکه به‌نحو مؤثر، بر پایه یک برداشت عمومی از عدالت نیز ساماندهی شده باشد.»^{۲۰}

نظریه عدالت رالز، بر اساس پرده جهل بنا شده است. وی معتقد است برای آنکه دریابیم از نظر اجتماعی امری عادلانه می‌باشد یا خیر ضروری است افراد را در وضعیت طبیعی و پشت پرده جهل در نظر بگیریم. در این حالت از افرادی که نسبت به شرایط خود جهل دارند، پرسش‌های اجتماعی پرسیده می‌شود. در این حالت، فرد اطلاعی از آن ندارد که آیا وی شاکی است یا متهم، زن است یا مرد، غنی است یا فقیر، حکمران است یا تابع و ... لذا، پاسخی که به پرسش می‌دهد ناظر به حالتی خواهد بود که اگر پرده برافند و خود مشمول حکم آن شود، عادلانه با وی برخورد شود. برای مثال هنگامی که پرسش شود آیا منع آزادی افراد برای حفظ نظم اجتماعی عادلانه است، در هنگامی که فرد در پشت حجاب جهل قرار دارد و اطلاعی ندارد که آیا خود مشمول این حکم خواهد شد یا نه، بی‌گمان پاسخی بی‌طرفانه و عادلانه خواهد داد و این پاسخ همان امری است که عدالت را در نظریه رالز تشکیل می‌دهد.

لیکن مسئله اصلی در اندیشه رالز دو امر مهم می‌باشد: نخست آنکه، رالز معتقد است افراد در پشت پرده حجاب نسبت به همه امور جهل مطلق ندارند بلکه آنان نسبت به برخی امور آگاهی دارند؛ زیرا در جهل مطلق همه چیز علی‌السویه خواهد بود و اساساً مفاهیم خوب و بد معنا نمی‌یابد. وی معتقد است در پشت این پرده افراد آگاه می‌باشند که «به‌طور کلی باید بکوشند آزادی‌هایشان را پاس دارند، فرصت‌هایشان را وسعت بخشند و ابزارهای خود را برای تعقیب هدف‌هایشان بهبود بخشند.»^{۲۱}

دوم، رالز نظریه عدالت خود را بر مبنای دو اصل اساسی بنا نهاده است که عبارتند از: «اصل اول، هر شخص قرار است حق برابری نسبت به گسترده‌ترین آزادی اساسی سازگار با

۱۸. لزی جیکوبز، *درآمدی بر فلسفه سیاسی نوین*، ترجمه مرتضی جبرانی (تهران: نشر نی، ۱۳۸۶)، چاپ اول، ۹۴.

۱۹. جان رالز، *نظریه عدالت*، ترجمه سید محمد کمال سروری و مرتضی بحرانی (تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷)، چاپ اول، ۳۲.

۲۰. همان، ۳۴.

۲۱. همان، ۲۲۷.

آزادی مشابه دیگران داشته باشد و اصل دوم، قرار است نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی به‌گونه‌ای ساماندهی شوند که: الف) به‌نحو معقول انتظار رود به سود همگان باشد؛ و ب) وابسته به مشاغل و مناصبی باشد که دسترسی به آنها برای همگان امکان‌پذیر است.^{۲۲} بنابراین، طبق این دو اصل باید با شهروندان برابر برخورد شود و در صورت لزوم حمایت و عادلانه بودن نابرابری افراد دارای شرایط خاص نسبت به همان نابرابری، برابر باشند. مثلاً اگر بنا بر آن است که از افراد خاص مانند اطفال یا ناتوانان جبران خسارت شود، باید تمامی افرادی که دارای آن شرایط خاص می‌باشند در آن جبران خسارت برابر تلقی شده و برخورد برابر با آنان صورت گیرد.

حال، جبران خسارت بازداشت‌شدگان بی‌گناه لازم است که در سنجه عدالت انصافی رالز قرار گیرد و این سؤال از افرادی که در پشت پرده جهل قرار دارند، مطرح شود که اگر دولتی در فرایند رسیدگی، شخصی را بازداشت نمود و از آزادی خود محروم کرد و سپس بی‌گناهی وی محرز شد، آیا جبران خسارت از وی عادلانه می‌باشد و یا عدم جبران عادلانه است؟ بیگمان انسان‌هایی که نمی‌دانند آیا مشمول این امر خواهند شد یا خیر، پاسخ به جبران خسارت خواهند داد و این همان چیزی است که باعث می‌شود تصمیم دولت در جبران خسارت عادلانه باشد و عدم جبران خسارت نوعی بی‌عدالتی تلقی شود.

به‌علاوه، طبق اصل اول عدالت رالزی ضروری است این جبران خسارت برای تمامی افراد بی‌گناهی که از آزادی محروم شده‌اند، مهیا شود و اعطای آن به برخی از افراد و سلب آن از برخی دیگر مغایر با اصل اولی عدالت رالزی می‌باشد؛ بنابراین، طبق این نظر نیز جبران خسارت از بازداشت‌شدگان بی‌گناه کاملاً مطابق عدالت بوده و دولت مکلف (و نه مختار) است که این امر را موردتوجه قرار دهد. پس از توجیه این جبران خسارت از منظر فلسفه سیاسی ضروری است که باتوجه‌به این مبانی حقوق ایران موردمداقه قرار گرفته و خلأهای آن موردتحلیل واقع شود که موضوع بند آتی می‌باشد.

۲- تحلیل حقوق کیفری ایران در زمینه جبران خسارت

موضوع جبران خسارت متهمانی که در فرایند رسیدگی از آزادی محروم شده ولیکن بی‌گناهی آنان در پایان دادرسی مشخص شده، سال‌ها در ایران محل بحث بوده است. قانون اساسی

جمهوری اسلامی ایران در اصل ۱۷۱ مقرره‌ای برای جبران خسارت داشته و بیان می‌دارد: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.» لیکن این امر کافی به مقصود نبود زیرا این اصل در دو صورت جبران خسارت را مجاز می‌دانست: نخست، تقصیر قاضی و دوم، اشتباه وی. همچنین این اصل کلی بوده و اعم از وضعیتی است که ضرر به واسطه بازداشت و یا غیر آن باشد. به همین دلیل، مقنن در آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ برای نخستین بار مقرره‌ای خاص را از جهت جبران خسارت متضررین از باب سلب آزادی، پیش‌بینی نمود. این مقرره در مواد ۲۵۵ الی ۲۶۱ قانون آیین دادرسی کیفری مطرح شده است. لیکن اگرچه بحث «جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت» از جمله نوآوری‌های قابل توجه در ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ است اما سیر تصویب آیین‌نامه اجرایی آن (موضوع ماده ۲۶۱ ق.آ.د.ک) حکایت از عدم تکافوی مقررات برای جبران خسارات از چنین افرادی دارد. چه، طبق ماده ۲۶۱ ق.آ.د.ک شیوه رسیدگی و اجرای آرای موضوع کمیسیون‌های استانی و ملی جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد. آیین‌نامه اصولاً می‌بایست در مهر ماه ۱۳۹۴ به تصویب می‌رسید اما این آیین‌نامه با برخی مواد غیر ضروری و نیز مبتلابه برخی نواقص، در تاریخ ۱۳۹۵/۱۰/۰۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید.^{۲۳} گذشت بیش از ۱۸ ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن قانون و عدم تصویب آیین‌نامه مذکور در مهلت مقرر، همچنین تشکیل کمیسیون‌های استانی با وقفه فراوان و تأخیر طولانی در بیشتر استان‌ها، خود حکایت از عدم التزام عملی مجریان قانون به جبران خسارات ایام بازداشت محکومان و متهمان بی‌گناه داشته است. از جنبه عملی نیز کمیسیون‌های استانی واکنشی درخور توجه به پذیرش درخواست جبران خسارات چنین متهمان و محکومان بی‌گناهی بروز نداده‌اند. با این حال، مواد مذکور در عمل دارای ابهامات و چالش‌هایی می‌باشند. این چالش‌ها را می‌توان در دو حوزه چالش‌های ناظر به موضوع و چالش‌های ناظر به حکم دانست. منظور از حکم، جبران خسارت

۲۳. این امر از آن جهت حائز اهمیت است که طبق ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک شخص بازداشت‌شده باید ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی قطعی درخواست خود را برای جبران خسارت مطرح نماید و عملاً فاصله حدود ۱۸ ماهه لازم‌الاجرا شدن قانون تا تصویب آیین‌نامه اشخاص بسیاری را از این حق محروم نمود.

و مقصود از موضوع شرایطی است که اشخاص باید دارا باشند.

۲-۱- چالش‌های ناظر به موضوع جبران خسارت

موضوع، جبران خسارت از متهمان بی‌گناه، طبق ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری محدود به برخی شرایط شده است که عبارتند از «بازداشت به هر علت»، «صدور حکم برائت و یا قرار منع تعقیب» و «اشخاصی» که در جریان تحقیقات مقدماتی و دادرسی بازداشت شده‌اند. هر یک از این موارد دارای ابهاماتی می‌باشد.

۲-۱-۱- چالش‌های ناظر به بازداشت شخص

بدیهی‌ترین برداشت از عبارت «به هر علت بازداشت می‌شوند» در ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری آن است که فرد به‌موجب یکی از قرارهای تأمین کیفری اعم از آنکه نتیجه مستقیم آن بازداشت باشد مانند بازداشت موقت و یا به‌طور غیرمستقیم باعث بازداشت شود مانند قرارهای کفالت و وثیقه، سلب آزادی از وی صورت گیرد. همچنین برخی از حقوق‌دانان به‌درستی معتقد می‌باشند که «حکم ماده فوق شامل سلب آزادی ناشی از تحت نظر قرار دادن متهم توسط ضابطین دادگستری نیز می‌شود».^{۲۴} و علت را تبصره ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری بیان نمودند که تحت نظر قرار گرفتن متهم را باعث کاهش مدت حبس مقرر در حکم دانسته است.^{۲۵}

پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، آن است که چنانچه فردی در اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (ماده ۳ قانون اصلاحی ۱۳۹۴) مدتی در بازداشت باشد و پس از گذشت مدتی، حکم دادگاه حقوقی یا کیفری در اثر طرق عادی رسیدگی مانند واخواهی یا تجدیدنظرخواهی یا طرق فوق‌العاده رسیدگی مانند اعاده دادرسی نقض شده باشد، تکلیف خسارات ایام بازداشت چه می‌شود؟ و اساساً آیا در این موارد موضوع جبران خسارات وارده قابل پیگیری می‌باشد یا خیر؟ در این موارد، اگر موضوع پرونده، کیفری باشد، طبق نص صریح ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک الزاماً بایستی حکم برائت یا قرار منع تعقیب صادر شده باشد تا خسارات ایام بازداشت قابل مطالبه باشد. طبق ظاهر ماده ۲۵۵ قانون مذکور، مقصود از «حکم برائت»

۲۴. علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر

دانش، ۱۳۹۵)، چاپ هشتم، ۳۰۹.

۲۵. همانجا.

برائت در پرونده کیفری است نه حقوقی. لذا مشکل زمانی به‌وجود می‌آید که موضوع پرونده حقوقی یا محکومیت مالی است و مدتی آزادی فرد سلب می‌شود. برای نمونه، در پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۰۲۵۱۵۰۰۰۰۰ (با شماره بایگانی ۹۵۰۸۰۰) مطروحه در شعبه ۱۰۱ دادگاه کیفری لواسان، مدیرعامل شرکتی در راستای حکم صادره به پرداخت یک فقره دیه در حق اولیای دم به لحاظ عدم رعایت نظامات دولتی محکوم شده و در راستای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مدتی محبوس شد. با اعاده دادرسی کیفری، حکم صادره نقض و شرکت محکوم به پرداخت دیه می‌شود. یا در پرونده حقوقی اداره کار به کلاسه ۹۴/۱۶۰۰/۱ مدیرعامل کارخانه شن و ماسه به پرداخت چهارصد میلیون ریال بابت سنوات و دستمزد کارگر محکوم شد. در اجرای قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی چند روز حبس شد و متعاقباً با طرح دعوی در دیوان عدالت اداری و نقض رأی صادره، شعبه هم‌عرض اداره کار، کارگر را محکوم به بی‌حقی نمود. در موارد مذکور، قانون آیین دادرسی کیفری جبران خساراتی را پیش‌بینی نکرده است، درحالی‌که باتوجه‌به مبانی پیش‌گفته تفاوتی بین این افراد و اشخاصی که با قرار تأمین بازداشت شده‌اند، نمی‌باشد. به عبارتی، اگر از افراد در پشت پرده جهل سؤالی درخصوص بازداشت ناشی از محکومیت مالی و قرار تأمین پرسیده شود بی‌گمان پاسخ آنها یکسان و مبنی بر جبران خسارت می‌باشد و این اقتضای عدالت اجتماعی است؛ زیرا در هر دو مورد، افراد بی‌گناه بازداشت شده و از آزادی خود محروم شده‌اند، بنابراین، تمامی دلایلی که می‌توان برای جبران خسارت متهمان و محکومان بی‌گناه مطرح نمود، درخصوص این افراد نیز قابل طرح می‌باشد. لذا، در این موارد نیز قاعده عدالت و انصاف اقتضای آن دارد که خسارات وارده جبران و در این خصوص عبارت «به هر علت بازداشت می‌شوند»، تفسیر موسع شده و به تبع آن، قوانین نیز اصلاح و تکمیل گردد.

۲-۱-۲- چالش‌های ناظر به محدودیت جبران خسارت به حکم برائت و قرار

منع تعقیب

با عنایت به ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک و مجموع عقاید متخصصان حقوقی در این حوزه ملاحظه می‌گردد که قانونگذار صرفاً در دو حالت، خسارات ناشی از ایام بازداشت را قابل مطالبه می‌داند: (۱) صدور حکم برائت؛ (۲) صدور قرار منع تعقیب. چنانچه اتهام شخص، اعم از واحد یا متعدد، منجر به برائت شود موضوع جبران خسارت با مشکلی مواجه نمی‌شود؛ اما چنانچه در فرض تعدد اتهامات، یک اتهام به برائت و اتهام دیگر به تعلیق اجرای مجازات بینجامد، به‌نظر

می‌رسد، چالش از حیث تشبیه اقوال وجود دارد. همچنین، اگر قاضی در راستای حفظ نظم دادگاه دستور بازداشت شخص را صادر کند و بعداً کاشف به عمل آید که بازداشت، غیرقانونی بوده با توجه به ظاهر ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک نمی‌تواند مشمول آن قرار گیرد. ظاهر و صراحت مقید ماده مزبور این اجازه را نمی‌دهد اما عدالت و انصاف، خلاف آن را اقتضاء دارد.

مسئله دیگر، تصمیم به نقض بلارجاع در مقام فرجام‌خواهی می‌باشد. طبق بند ۱ از شق «ب» ماده ۴۶۹ ق.آ.د.ک در صورتی که عملی که محکوم‌علیه به آن محکوم شده به فرض ثبوت جرم نباشد یا به هر علت قابل تعقیب نباشد، رأی صادره نقض بلارجاع می‌شود. در واقع نظر دیوان بر جرم نبودن موضوع است. نقض بلارجاع، تصمیمی متفاوت از رأی برائت و قرار منع تعقیب است هر چند دلیل آن می‌تواند یکسان باشد، یعنی جرم نبودن موضوع. با این حال، با توجه به نص صریح ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک در صورت نقض بلارجاع شدن موضوع، فرد نمی‌تواند از حکم ماده فوق بهره‌بردار و این قطعاً امری خلاف اراده مقنن و عدالت می‌باشد. برای رفع این مشکل مناسب است از الفاظ این ماده با تفسیر به نفع متهم و احراز نظر مقنن فراتر رفت و معتقد شد از آنجاکه موجب رأی برائت و قرار منع تعقیب می‌تواند جرم نبودن رفتار باشد، این جرم نبودن در صورتی که با هر تصمیم دیگری در مراجع قضایی اثبات شود، فرد می‌تواند از مزیت مقرر در این ماده بهره‌بردار. در واقع، قیاس از آنجاکه در امور شکلی ممنوع نبوده، قابل اعمال می‌باشد.

خروج مطلق قرار موقوفی تعقیب از حکم ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک نیز قابل تأمل می‌باشد. در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب به استناد مثلاً اعتبار امر مختومه یا شمول مرور زمان و ورود خسارت در ایام بازداشت، آیا متهم می‌تواند خسارت دریافت کند؟ پاسخ این سؤال نیز بنا به ظاهر قانون، منفی است؛ عبارات به کاررفته در ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک به صراحت حکایت از عدم امکان مطالبه خسارات ایام بازداشت در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب داشته و دلیل آن نیز عدم اظهار نظر ماهوی در مورد ارتکاب جرم یا عدم ارتکاب عمل مجرمانه توسط متهم بیان شده است.^{۲۶} از سوی دیگر، قانون آیین دادرسی کیفری حاضر، از قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه الهام گرفته و در این خصوص نیز بایستی مثل سایر موارد، دیدگاه قانونگذار فرانسوی را احراز نمود. قانونگذار فرانسوی در ذیل ماده ۱۴۹ و نیز مواد ۱-۱۴۹ و ۲-۱۴۹ قانون مذکور به عبارت «تصمیم منع تعقیب، آزادی یا برائت» اشاره و تأکید نموده است؛

۲۶. خالقی، پیشین، ۳۰۹.

بنابراین، در ظاهر امر، قانون آیین دادرسی کیفری فرانسه نیز صرفاً در دو حالت قرار منع تعقیب و حکم برائت جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت را مجاز می‌داند.^{۲۷}

با وجود این، به نظر می‌رسد در برخی شقوق منجر به صدور قرار موقوفی تعقیب ضروری است در کنار قرار منع تعقیب و حکم برائت، قرار موقوفی تعقیب را نیز اضافه نمود و اذعان داشت که چنانچه پرونده متهم به جهت صدور قرار منع تعقیب یا موقوفی تعقیب یا حکم برائت مختومه شود، جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت امکان‌پذیر بوده و البته باید بین مصادیق مختلف قرار موقوفی تعقیب ذکر شده در ماده ۱۳ ق.آ.د.ک قائل به تفکیک بود؛ چراکه ماده ۱۳ قانون مذکور، هفت مورد را به عنوان مصادیق انحصاری صدور قرار موقوفی تعقیب ذکر کرده است که عبارتند از فوت متهم یا محکوم‌علیه، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، عفو، نسخ، مرور زمان، توبه، اعتبار امر مختوم. به نظر نگارنده، در مصادیقی شخصی چون گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت، فوت متهم یا محکوم‌علیه، عفو و توبه که منتهی به صدور قرار موقوفی تعقیب می‌شود، موضوع جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت منتفی است.

برعکس، در مصادیقی عینی چون نسخ مجازات قانونی، مرور زمان و اعتبار امر مختوم می‌توان با صدور قرار موقوفی تعقیب، بحث جبران خسارات ایام بازداشت را مطرح و در این خصوص قانون آیین دادرسی کیفری را نیز اصلاح نمود؛ زیرا موارد شخصی امور حادثی هستند که در جریان رسیدگی رخ می‌دهند و نمی‌توان حدوث متعاقب یک امر را برای جبران خسارت بازداشت پیشین لحاظ نمود. ولیکن امور عینی مواردی هستند که در زمان تصمیم وجود دارند و بدین لحاظ می‌توانند برای جبران خسارت مورد استناد قرار گیرند. تنها مرور زمان در این خصوص مورد بحث است که به نظر می‌رسد در صورت مضمی مرور زمان شکایت (و نه تعقیب و دادرسی که امور حادث هستند) می‌تواند برای جبران خسارت مورد استناد قرار گیرد. درخور ذکر است تبصره اصلاحی منضم به ماده ۱۴۵ ق.آ.د.ک (۱۳۹۴/۰۳/۲۴) در کنار قرار

۲۷. لازم به ذکر است مواردی که در حقوق ایران به عنوان موقوفی تعقیب تلقی می‌شود از جمله فوت متهم، در حقوق فرانسه مشمول قرار منع تعقیب قرار می‌گیرد. لذا، گستره شمول و موارد صدور قرار منع تعقیب در حقوق فرانسه نسبت به حقوق ایران وسیع‌تر و به تبع موارد جبران خسارت ناشی از بازداشت‌شدگان بی‌گناه بیشتر خواهد بود. مقدسی و قلی‌زاده، پیشین، ۹۸. جهت مطالعه بیشتر نک: محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۸)، جلد اول، چاپ بیست و یکم، ۲۳۱.

منع تعقیب و حکم برائت، به قرار موقوفی تعقیب نیز اشاره نموده است. ضمن اینکه بند (۳) ماده ۸۵ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در ذیل عنوان «غرامت به شخص توقیف‌شده و یا محکومیت‌یافته» چنین مقرر می‌دارد: «در موارد استثنائی که به نظر دادگاه واقعیات حاکی از قصور آشکار و مهم در انجام وظیفه قانونی است، می‌تواند به صلاحدید خود و مطابق ملاک‌هایی که در «آیین‌نامه دادرسی و ادله» مقرر گردیده حکم به پرداخت خسارت به شخصی بدهد که پیرو صدور رأی قطعی دایر بر برائت و یا منتفی شدن تعقیب به جهت مزبور آزاد شده است.»

نتیجه اینکه، در جهت رعایت قاعده انصاف و عدالت و در راستای احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی، اصلاح ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک و توسعه دامنه شمول آن به قرار موقوفی تعقیب ضرورت می‌یابد. لذا، باتوجه به مطالب مذکور مناسب است به جای عبارت «قرار منع تعقیب» در کنار «حکم برائت»، عبارت «منتفی شدن تعقیب» را که در اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی نیز مورد اشاره قرار گرفته به کار برد تا شامل قرار موقوفی تعقیب هم بشود. در حال حاضر، باتوجه به عدم اشاره قانونگذار به موضوع قرار موقوفی تعقیب در قانون آیین دادرسی کیفری، شاید بتوان جهت جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت، از اصل ۱۷۱ قانون اساسی استمداد جست؛ هرچند برخی از مصادیق قرار موقوفی تعقیب مانند نسخ مجازات قانونی یا اعتبار امر مختوم اصولاً در اثر اشتباه یا تقصیر قاضی حادث نمی‌شوند و رجوع به اصل ۱۷۱ قانون اساسی در این موارد خاص نیز با چالش روبه‌روست. واضح است که در صورت صدور قرار موقوفی تعقیب نیز چنانچه بازداشت شخص، ناشی از خودداری وی در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خویش باشد^{۲۸}، به استناد بند «الف» ماده ۲۵۶ ق.آ.د.ک چنین شخصی استحقاق مطالبه خسارات ناشی از ایام بازداشت را نخواهد داشت.

موضوع دیگر اینکه، درخواست جبران خسارات ناشی از ایام بازداشت در مورد سایر تصمیمات مقام قضایی مانند قرار تعلیق تعقیب (موضوع ماده ۸۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲)؛ یا قرار بایگانی پرونده (موضوع ماده ۸۰ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲)؛ یا تعویق صدور حکم (موضوع ماده ۴۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲)، قرار تعلیق اجرای مجازات (موضوع ماده ۴۶ ق.م.ا. ۱۳۹۲) و همچنین در مورد معامله اتهام که در حقوق انگلیس مطرح است، امکان‌پذیر نبوده و بدون کمترین تردید،

۲۸. برای مثال، در فرضی که متهم، به موضوع اعتبار امر مختوم و رسیدگی قبلی به پرونده اشاره و استناد نکند.

تصمیمات اخیرالذکر مجوزی برای طرح درخواست مطالبه خسارات نخواهد بود. لیکن درخصوص قرار ترک تعقیب موضوع کمی پیچیده‌تر می‌باشد. طبق ماده ۷۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ «در جرایم قابل‌گذشت، شاکی می‌تواند تا قبل از صدور کیفرخواست درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. شاکی می‌تواند تعقیب مجدد متهم را فقط برای یکبار تا یک سال از تاریخ صدور قرار ترک تعقیب درخواست کند.» حال در صورتی که فردی در فرایند رسیدگی بازداشت گردید و سپس بنا به درخواست شاکی قرار ترک تعقیب صادر شد ولیکن متهم معتقد به بی‌گناهی خود بود، آیا جبران خسارت موجه است و به چه طریقی؟ به نظر می‌رسد در این موارد، مناسب‌تر است قرار ترک تعقیب منوط به رضایت مشتکی‌عنه شود تا از تضییع حقوق وی جلوگیری گردد زیرا که اگر ممکن است متهم نظر به بی‌گناهی خود داشته و بتواند با اخذ قرار منع تعقیب، اولاً، اعتبار خود را بازیابد؛ و ثانیاً، مطالبه خسارت کند. لذا، در صورت اصلاح ماده ۷۹ قانون مذکور، می‌توان بیان نمود که در صورت عدم رضایت متهم برای صدور قرار ترک تعقیب، حق وی برای جبران خسارت بازداشت منتفی نخواهد شد. به نظر می‌رسد که باید بین دو حالت تفاوت قائل شد: حالت اول، تحقیقات مقدماتی کامل شده و دلیلی بر وقوع جرم و یا استناد آن به متهم نباشد و تقاضای ترک تعقیب مطرح شود که در این حالت شایسته است قرار منع تعقیب صادر گردد. حالت دوم، تحقیقات مقدماتی کامل نشده و مشخص نمی‌باشد که متهم مرتکب جرم شده است یا خیر که در این حالت نمی‌توان از صدور قرار ترک تعقیب امتناع نمود، زیرا در جرایم قابل‌گذشت اساساً تعقیب و مجازات منوط به نظر شاکی و بزه‌دیده است.

از سوی دیگر، باتوجه‌به نص صریح ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک، اشخاصی که به‌عنوان شاهد یا مطلع جلب می‌شوند و حکم براءت یا منع تعقیب متهم اصلی صادر می‌شود، نمی‌توانند مطالبه جبران خسارت بنمایند؛ اگرچه به حکم عدل و انصاف دارای چنین حقی هستند. ممکن است در این مورد استدلال شود شاهدهی که بعد از احضار و با قید عدم حضور جلب است، حضور نمی‌یابد و متعاقباً جلب می‌شود، اقدام علیه خود کرده است (قاعده اقدام)، لذا مستحق جبران خسارت نمی‌باشد. در این صورت این امر باید درخصوص متهم نیز بیان شود که در صورت احضار و متعاقباً جلب و بازداشت به‌واسطه عدم حضور، وی مستحق جبران خسارت نمی‌باشد. درحالی‌که طبق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک متهم این حق را دارا می‌باشد و عدم شناسایی این حق برای شاهد تبعیض ناروا و بلاجهت است. گرچه این استدلال که شاهد و مطلع چون طبق قاعده اقدام به ضرر خویش عمل نموده و در نتیجه مستحق جبران خسارت نیست، خالی از

قوت نمی‌باشد.

چالش دیگر اینکه، طبق تبصره ماده ۵۱۸ ق.آ.د.ک برای قاضی اجرای احکام کیفری، جبران خسارت ایام محکومیت اضافی پیش‌بینی شده است. اگرچه قسمت دوم ماده مذکور برای رئیس زندان تکلیف به اقدام برای آزادی زندانی پس از اتمام حبس را مقرر داشته اما جبران خسارت چنین محکوم‌علیهی را که به علت عدم تکلیف رئیس زندان به وجود آمده مقرر نداشته است؛ چراکه اجرای احکام کیفری، وظیفه قاضی اجرای احکام است. به هر روی می‌دانیم که ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک، یکی از مصادیق اصل ۱۷۱ ق.ا. است؛ اما حوزه و عملکرد این ماده و آن اصل، با هم متفاوت است. از سوی دیگر، جبران خسارت متهم و محکوم بی‌گناه صرف‌نظر از منشأ وقوع خسارت و اشتباه قضایی - اعم از آنکه منتسب به اشتباه یا تقصیر قاضی باشد - باید مورد بحث قرار گیرد و قانونگذار، این فرض را نیز به همراه دیگر فرض‌های مذکور و پیش‌بینی‌نشده، تعیین تکلیف بنماید.

۲-۲- چالش‌های ناظر به حکم جبران خسارت

در صورتی که شخصی مایل باشد از طریق ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک مبادرت به درخواست جبران خسارت نماید، چه چالش‌هایی در خصوص خسارت دریافتی ممکن است پیش روی وی باشد. این چالش‌ها را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: نخست چالش ناظر به تداخل قوانین؛ و دوم، چالش ناظر به نوع جبران خسارت.

۲-۲-۱- تداخل قوانین ناظر به دریافت خسارت

خسارتی که بر شخص در فرایند کیفری بار می‌شود چنان‌که بیان گردید می‌تواند از دو طریق جبران شود: از طریق عام که ناظر به اصل ۱۷۱ قانون اساسی می‌باشد و دوم، ماده ۲۵۵ قانون آیین دادرسی کیفری ناظر به جبران خسارات بازداشت با لحاظ ماده ۱۴ قانون مذکور. پرسشی که در اینجا مطرح است، آن می‌باشد در صورتی که شخصی از فرایند مقرر در آیین دادرسی کیفری و مواد ۲۵۶ الی ۲۶۰ مبادرت به درخواست جبران خسارت نمود ولیکن این درخواست وی رد شده و یا به میزان مورد نظر وی خسارت پرداخت نگردید، آیا وی همچنان می‌تواند از طریق عام عمل نموده و با استناد به اصل ۱۷۱ قانون اساسی و مراجعه به دادگاه انتظامی و سپس دادگاه حقوقی خسارت خود را مطالبه کند؟ این امر از دو جهت قابل بررسی است.

نخست، باتوجه به ترکیب هیئت‌های مقرر در مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری که همگی از قضات (حسب مورد تجدیدنظر و یا دیوان عالی کشور) می‌باشند، تصمیم این

کمیسیون‌ها جنبه قضایی داشته و تمامی آثاری که بر آرای قضایی بار است، بر این موارد نیز بار می‌شود. به‌ویژه که قانونگذار در ماده ۲۵۷ ق.آ.د.ک از واژه «حکم» و در ماده ۲۵۸ از واژه «رأی» بهره برده است و این نشان از آن دارد که میل بوده است، تصمیم این کمیسیون‌ها را مانند آرای دادگستری دارای اثر بداند. از سوی دیگر، از آنجاکه مقنن رسیدگی به بازداشت را به‌طور خاص مقرر نموده است، استناد به مقررات عام جایگاهی نخواهد داشت^{۲۹}؛

دوم، از نظر دیگر می‌توان بیان نمود هرچند اعضای این کمیسیون‌ها از قضات دادگستری می‌باشند لیکن الزاماً تصمیم هر کمیسیون متشکل از قضات نمی‌تواند ماهیت قضایی داشته باشد. از طرف دیگر، عبارت «حکم» و «رأی» مذکور در مواد ۲۵۷ و ۲۵۸ قانون آیین دادرسی کیفری در معنای دقیق استعمال نشده و از آن افاده عام شده است. چنان‌که در سایر موارد مانند «ماده ۱۴ آیین‌نامه مستندسازی و تعیین بهره‌بردار اموال غیرمنقول دستگاه‌های اجرایی مصوب ۱۳۸۲»، «ماده ۴ آیین‌نامه اجرایی بند ج تبصره ۱۲ قانون بودجه سال ۱۳۷۴ کل کشور مصوب ۱۳۷۴»، «ماده ۳۷ آیین‌نامه اجرایی قانون اراضی شهری مصوب ۱۳۶۱» و «ماده ۳ قانون حریم دریاچه احداثی در پشت سدها مصوب ۱۳۴۴» نیز از واژه «رأی» استفاده نموده است ولیکن منظور مقنن قطعاً رأی قضایی نمی‌باشد.

با این حال، نظر به استدلال‌های فوق به‌نظر می‌رسد استدلال‌های نخست صحیح‌تر بوده و در صورت رد درخواست جبران خسارت بازداشت، شخص حق مراجعه به طریق عام را نخواهد داشت و تصمیم کمیسیون در این موارد اعتبار امر مختومه داشته و در سایر مراجع قضایی قابل استناد می‌باشد.

۲-۲-۲- نوع جبران خسارت

قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۲۵۵ خود، انواع جبران خسارت را به ماده ۱۴ همان قانون ارجاع داده است. با ملاحظه ماده ۱۴ این قانون «تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی و منافع ممکن‌الحصول» فرد قابل‌مطالبه می‌باشد. حال فارغ از جبران خسارات مادی که به

۲۹. ضمن اینکه، از آنجایی که حمایت از حقوق و اقتدار قضات یکی از مبانی مطالبه خسارت از دولت است و از این حیث، در زمره حقوق عمومی محسوب شده و امکان طرح دعوی و مطالبه خسارت هم‌زمان یا متعاقباً علیه دولت و قاضی وجود ندارد (محمد آشوری و اسماعیل شایگان، «نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه؛ پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی»، مجله پژوهش حقوق کیفری ۲۳ (۱۳۹۷)، ۵۳).

شخص وارد می‌شود و هیچ‌گونه تردیدی در لزوم جبران خسارت مادی از افراد بازداشت‌شده ناروا وجود ندارد، مسئله جبران خسارت معنوی دارای چالش بسیار می‌باشد. نخست آنکه، آیا می‌توان موردی را تصور کرد که فردی بازداشت شود ولی خسارت معنوی بر وی وارد نشود. عرفاً هرگونه بازداشت باعث کسر آبرو و اعتبار فرد می‌شود؛ به نظر می‌رسد در صورتی که تعریف موسعی از ضرر معنوی بشود، در تمامی آرای جبران خسارت بازداشت‌ها در کنار خسارت مادی، ضروری است به خسارت معنوی نیز حکم صادر شود. لذا، خسارت معنوی عبارت است از «ضرر و زیان واردشده به شهرت، حیثیت و آبرو، آزادی، معتقدات مذهبی، حیات، زیبایی، احساسات و عواطف و علایق خانوادگی».^{۳۰}

دومین مسئله آن است که طریقه جبران این خسارت چگونه خواهد بود. این امر از آن جهت اهمیت دارد که شورای نگهبان تقویم خسارت معنوی به پول را خلاف شرع دانسته و طبق نظر این شورا در تبصره ۱ ماده ۳۰ قانون مطبوعات «طرح دعوی خسارت معنوی مجاز و دادگاه مکلف به رسیدگی به آن است؛ اما تقویم خسارات معنوی به مال و امر مادی، مغایر موازین شرعی است».^{۳۱} در صورت پذیرش این نظر طرقی که کمیسیون بتواند رأی به جبران خسارت بازداشت‌شده بی‌گناه توسط دولت بدهد چیست؟ این امر از آن جهت دشوار می‌باشد که معیار مشخص و اجماعی در خصوص جبران خسارت وجود ندارد. ضمن آنکه نمی‌توان بر اظهارات فرد بازداشت‌شده نیز در این مورد اکتفاء و اعتماد نمود؛ زیرا در بسیاری از موارد وی ممکن است خسارات وارده را بیش از آنچه واقع می‌باشد، نشان دهد. لذا، ضروری است موازین دیگری باشد که بر اساس آن بتوان خسارت معنوی را برآورد کرد.

گرچه مناقشات زیادی در خصوص قابلیت و نحوه جبران خسارت معنوی میان حقوق‌دانان و فقهاء وجود داشته و دارد اما نگاهی به قوانین و رویه کشورهای مختلف، آرای محاکم ملی و بین‌المللی از جمله رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر، پیشینه تاریخی، فلسفی و اجتماعی حکایت از آن دارد که خسارات معنوی از طریق مالی و غیرمالی و گاهاً ادغام آن دو، قابل جبران است. با مطالعه آرای محاکم داخلی نیز ملاحظه می‌گردد که رویه قضایی بر جبران خسارت معنوی استقرار یافته است. برای نمونه: بر اساس رأی شعبه ۱۸۱ دادگاه کیفری دو

۳۰. محمد آشوری، عدالت کیفری ۲ (مجموعه مقالات) (تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴)، چاپ دوم، ۲۶۱.
 ۳۱. حسین مهرپور، دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی (تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴)، چاپ دوم، ۲۳۱.
 همچنین نک: فخرالدین اصغری آقمشهدی، «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی ۳ (۹ و ۱۰) (۱۳۸۲)، ۳۵.

تهران، شوهری که همسر خود را متهم به عدم‌بکارت نموده بود، به مبلغ سیصد هزار ریال بابت ضرر معنوی در وجه زوجه محکوم نموده است.^{۳۲}

در فقه اسلامی روش شناخته‌شده‌ای برای جبران ضررهای معنوی وجود ندارد؛ اما به‌نظر می‌رسد که روش‌های متداول در حقوق عرفی و موضوعه، اعم از جبران‌های مالی و غیرمالی می‌تواند در فقه قابل‌پذیرش باشد.^{۳۳} لذا، در بحث خسارت معنوی، مهم جبران است و راه جبران خسارت طریقت دارد نه موضوعیت؛ و درموردی ممکن است مابه‌ازای مالی گره‌گشا باشد و درمورد دیگر یک عذرخواهی ساده.^{۳۴} بنابراین، درمورد شیوه جبران خسارت معنوی به‌گونه‌ای باید عمل شود که در عرف مفهوم جبران خسارت صدق نماید. درست است که هیچ‌وقت کمبود روحی یا خسارت معنوی با پرداخت پول قابل‌جبران نمی‌باشد و درواقع مابه‌ازای مادی ندارد^{۳۵} لکن، پرداخت مابه‌ازای مالی در کنار روش‌های غیرمالی با استمداد از روانشناسان، کارشناسان امور و اهل فن می‌تواند تا حدودی موجب تشریف خاطر چنین متهمان و محکومان بی‌گناهی گردد.

نتیجه

جبران خسارات اشخاص بازداشت‌شده‌ای که درنهایت بی‌گناهی آنان صادر می‌شود، اگرچه امروزه موردقبول اسناد بین‌المللی و حقوق کشورها قرار گرفته است لیکن مسیر پرچالشی را طی نموده است. این مسیر در دو بُعد مبانی و قوانین طی شده است. به عبارتی، ابتدا درخصوص وجود مبنای این جبران خسارت بحث‌های بسیاری بین فلاسفه حقوقی صورت گرفت و سپس با احراز مینا وارد حقوق کشورها گردید. نوشتار حاضر نیز این رویکرد را دنبال نمود و ابتدا درصدد تحلیل توجیه‌پذیری این جبران خسارت در نظریات فلسفی بود و از دیدگاه فلسفه سیاسی این جبران را موردمداقه قرار داد.

۳۲. محمد آشوری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۶)، جلد اول، چاپ دهم، ۲۱۲.

۳۳. زهره نیک‌فرجام، «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق»، *مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی* ۱۱ (۱۳۹۲)، ۱۲۳. جهت مطالعه بیشتر نک: نیک‌فرجام، ۱۲۷-۱۰۵. همچنین سید محمد قاری سید فاطمی و سیده لطیفه حسینی، «جبران خسارت در نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر: ارزیابی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۲ (۱۳۹۲)، ۲۵۸-۲۱۳.

۳۴. فرهاد پروین، *خسارت معنوی در حقوق ایران* (تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰)، چاپ اول، ۱۸۵.

۳۵. رجب گل‌دوست جویباری، *آیین دادرسی کیفری* (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۶)، چاپ اول، ۱۰۰.

از دیدگاه فلسفه سیاسی لاک و نظریه عدالت جان رالز این جبران خسارت کاملاً توجیه‌پذیر می‌باشد. از دیدگاه نظریه قرارداد اجتماعی، افراد حق کیفر دادن دیگران و حتی کیفر دیدن خود را در زمانی که مرتکب جرم می‌شوند به دولت اعطاء کرده‌اند لیکن این امر به معنای آن نیست که در صورتی که دولتی در فرایند رسیدگی کیفری صدمه به دیگری وارد آورد، مبراً از مسئولیت جبران باشد. به عبارت دیگر، حق کیفر با حق ورود ضرر در فرایند کیفری متفاوت می‌باشد. به همین جهت، شهروندان در فرایند قرارداد اجتماعی حق جبران خسارت را برای خود نگاه داشته و در صورتی که دولتی به موجب بازداشت باعث ورود ضرر به دیگری شود ملزم به جبران خسارت مانند سایر اشخاص می‌باشد. ورود به قرارداد اجتماعی نیز در راستای حفظ آزادی بوده است و دولتی که خود این آزادی را نسبت به فرد ناکرده‌بزه نقض نماید، ملزم است جبران خسارت نماید و الاً مغایر با اساس قرارداد اجتماعی عمل نموده است.

از دیدگاه نظریه عدالت انصافی نیز جبران خسارت متهمان بی‌گناه توجیه‌پذیر می‌باشد زیرا هر فردی در پشت حجاب جهل، بی‌گمان بر این امر صحه خواهد گذارد که در صورت بازداشت شخصی که بی‌گناهی وی محرز می‌شود، دولت ملزم به جبران خسارت شود. این خسارت بر اساس تساوی افراد باید به صورت یکسان به تمامی شهروندان در شرایط یکسان پرداخت گردد. لذا دو نظریه مهم فلسفه سیاسی که یکی به مشروعیت دولت و دیگری به سنجه عدالت محوری اعمال دولت می‌پردازد، جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه را توجیه‌پذیر و بلکه الزامی می‌دانند.

با وجود پذیرش مبانی فوق، قانون آیین دادرسی کیفری جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه را مورد پذیرش قرار داده است لیکن ابهاماتی در اعمال این مقررات وجود دارد. به نظر می‌رسد این جبران به‌رغم آنکه ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک تنها به حکم برائت و قرار منع تعقیب به‌عنوان پیش‌شرط جبران خسارت اشاره نموده بایستی به مواردی مانند نقض بلارجاع در دیوان عالی کشور در مقام فرجام‌خواهی و یا برخی شقوق قرار موقوفی تعقیب که جنبه نوعی دارند، تسری یابد؛ زیرا در نقض بلارجاع دیوان، رفتار اساساً جرم نمی‌باشد و در موارد موقوفی تعقیب نوعی، ضروری است که با دقت نظر مقام قضایی قرار موقوفی در ابتدای امر صادر شود و بازداشت فرد در این موارد توجیهی ندارد. لذا، ورود این موارد به حوزه جبران خسارت باعث عادلانه‌تر شدن این مقرره می‌گردد.

همچنین ماده ۲۵۵ ق.آ.د.ک به نظر می‌رسد که تنها راهکار جبران خسارت از متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه می‌باشد. لذا، در صورتی که این فرایند به نتیجه منجر نشده و این جبران

خسارت رد شود، فرد نمی‌تواند به طریق عامی که در اصل ۱۷۱ قانون اساسی بیان شده مراجعه کند؛ زیرا مقنن با آگاهی این مورد را به‌طور خاص از شمول فرایند جبران خسارت به‌طور عام خارج نموده است و این‌گونه تداخل اعمال این دو مقرر قانونی حل خواهد شد. از طرفی، به‌نظر می‌رسد نظر کمیسیون به‌دلیل ترکیب قضایی آن اعتبار امر مختومه داشته و در سایر مراجع قابل استناد می‌باشد.

در بحث خسارت معنوی وارده به متهمان و محکومان بی‌گناه مهم جبران خسارت است و راه جبران خسارت طریقت دارد نه موضوعیت. پرداخت مابه‌ازای مالی در کنار روش‌های غیرمالی با استمداد از روانشناسان، کارشناسان امور و اهل فن می‌تواند تا حدودی موجب تشفی خاطر چنین بازداشت‌شدگان بی‌گناهی گردد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ سیزدهم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۸.
- آشوری، محمد. *آیین دادرسی کیفری*. جلد اول. چاپ بیست و یکم. تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی و دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۹۸.
- آشوری، محمد. *عدالت کیفری ۲ (مجموعه مقالات)*. چاپ دوم. تهران: نشر دادگستر، ۱۳۸۴.
- آشوری، محمد. *عدالت کیفری ۱ (مجموعه مقالات)*. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶.
- آشوری، محمد و اسماعیل شایگان. «نظام حقوقی جبران خسارت ناشی از بازداشت متهمان بی‌گناه: پژوهشی در حقوق ایران و حقوق تطبیقی». *مجله پژوهش حقوق کیفری* ۲۳ (۱۳۹۷): ۷۹-۴۷.
- احمری، حسین و موسی احمدی. «بررسی فقهی - حقوقی مسئولیت و مصونیت قاضی». *مجله فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی* ۲۰ (۱۳۸۸): ۳۴-۹.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین. «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران». *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی* ۳ (۹ و ۱۰) (۱۳۸۲): ۴۸-۳۱.
- پروین، فرهاد. *خسارت معنوی در حقوق ایران*. چاپ اول. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۰.
- جیکوبز، لزی. *درآمدی بر فلسفه سیاسی نوین*. ترجمه مرتضی جیرانی. چاپ اول. تهران: نشر نی، ۱۳۸۶.
- حیدری، الهام. «مبانی و جایگاه قانونی جبران خسارات ناشی از بازداشت ناموجه در دادرسی کیفری ایران». *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری دانشگاه گیلان* ۱۵ (۱۳۹۶): ۴۹-۴۳.
- خالقی، علی. *نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری*. چاپ هشتم. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۵.
- رالز، جان. *نظریه عدالت*. ترجمه سید محمد کمال سروری و مرتضی بحرانی. چاپ اول. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ۱۳۸۷.
- رستمی، ولی‌الله. «سازکارهای جبران خسارت ناشی از ایام بازداشت غیرقانونی با تأکید بر لایحه قانون آیین دادرسی کیفری پیشنهادی در قوه قضائیه». پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز، ۱۳۹۱.
- سید حاتمی، مریم و فاطمه کریمیان. «خسارت ناشی از بازداشت با مطالعه تطبیقی در حقوق انگلستان». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی عدل و انصاف* ۱ (۱۳۹۷): ۴۵-۲۲.
- صالحی مازندرانی، محمد. «نگرشی بر مسئولیت مدنی تصمیم‌گیرندگان قضایی». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۷۲ (۱۳۸۵): ۲۴۱-۲۷۳.
- قاری سیدفاطمی، سید محمد و سیده لطیفه حسینی. «جبران خسارت در نظام‌های منطقه‌ای حمایت از حقوق بشر: ارزیابی رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر». *مجله تحقیقات حقوقی* ۱۲ (۱۳۹۲): ۲۵۸-۲۱۳.

کوشکی، غلامحسین. «مهم‌ترین نوآوری‌های «حمایتی» و «سازمانی» لایحه آیین دادرسی کیفری در مرحله تحقیقات مقدماتی»، در *دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقالات)*، ۴۱۷-۳۸۸. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۲.

گلدوست جویباری، رجب. *آیین دادرسی کیفری*. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۸۶.

لاک، جان. *رساله‌ای درباره حکومت*. چاپ دوم. ترجمه حمید عضدانلو. تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.

مقدسی، محمدباقر و ابراهیم قلی‌زاده. «جبران خسارت متهمان بازداشت‌شده بی‌گناه در نظام عدالت کیفری ایران و فرانسه». *مجله پژوهش حقوق کیفری* ۲۳ (۱۳۹۷): ۱۱۱-۸۱.

مهرپور، حسین. *دیدگاه‌های جدید در مسائل حقوقی*. چاپ دوم. تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۴.

نیک‌فرجام، زهره. «جبران خسارت معنوی در فقه و حقوق». *مجله مبانی فقهی حقوق اسلامی* ۱۱ (۱۳۹۲): ۱۲۷-۱۰۵.

یکرنگی، محمد. *مشروعیت سیاسی کیفر*. چاپ دوم. قم: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۶.

یوسفیان شوره‌دلی، بهنام و لیلا رسولی آستانی. «نگرش تطبیقی به جبران خسارت واردشده بر محکوم بی‌گناه از نظر تا واقعیت». *مجله حقوقی دادگستری* ۸۲ (۱۳۹۲): ۲۷۷-۲۴۷.

ب. منابع خارجی

Faulkner, Robert. "The First Liberal Democrat: Locke's Popular Government." *The Review of Politics* 63(1) (2001): 5-40.

Laxminarayan, Malini. "Procedural Justice and Psychological Effects of Criminal Proceedings: The Moderating Effect of Offense Type." *Social Justice Research* 25(4) (2012): 390-405.